

اخبار و گزارش های کارگری 8 بهمن ماه 1404

- پیام تسلیت میثم پیرفلک پدر کیان به خانواده های داغ دیده اعتراضات سراسری دی ماه 1404

- حسن مرتضوی: و کشتگان روایت می کنند....

- بیانیه هیات مدیره انجمن جامعه شناسی ایران درباره اتفاقات دی ماه

- نامه سرگشاده انجمن جهانی پزشکی به مقامات جمهوری اسلامی

- #نیمکت های_خالی

کودکان از دست رفته؛ خاطره ای که خاموش نمی شود

- کشته شدن یک کودک هشت ساله در پی تیراندازی نظامیان حکومتی در سیریک

- دانشجویان متحد:

1- صدرا سلطانی به قتل رسید

2- ایلینا عباسی به قتل رسید

3- نگین قدیمی به قتل رسید

4- شیلان صالحی به قتل رسید

5- وقاحت دانشگاه امام خمینی قزوین در معرفی صفورا جعفری به عنوان شهید حکومتی!

6- جان باختن الینا بهرامی دانشجوی دانشگاه تهران

7- سهند عباس نیا توسط نیروهای سرکوب بازداشت شد

8- عرشیا مهرآزما توسط نیروهای سرکوب بازداشت شد

9- محمد مصلحی جویباری بازداشت شد.

10- دکتر فرهاد نادعلی بازداشت شد

- گزارش میدانی از محوطه بیرونی زندان زنان قرچک

سختی تأمین وثیقه های سنگین

- بیانیه اعلام مخالفت دانشجویان دانشگاه گیلان با مجازی شدن ترم آینده

- کانون نویسندگان ایران:

1- علی اسدالهی بازداشت شد

2- تداوم بازداشت یوسف انصاری، نویسنده و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران

- پرونده سازی علیه معلم کورد اهل ایلام پس از ویدیوی اعتراضی

- ملاخورشدن مطالبات 11 کارگر اخراجی کارخانه سامان کاشی بروجرد

- نامه سرگشاده اعتراضی جمعی از متقاضیان مسکن ملی پروژه 2ام کوی زنگان زنجان نسبت به بلاتکلیفی 6 ساله

- جان باختن 2 کارگرمقتی جوان دریزد حین کاربر اثر مسمومیت گازی

*پیام تسلیت میثم پیرفلک پدر کیان به خانواده های داغیده اعتراضات سراسری دی ماه 1404:

داغ دیده می داند داغ فرزند چقدر سخت و طاقت فرساست تسلیت به همه پدر و مادرانی که در این روزها داغ فرزند دیدند به امید روزی که هیچ کس داغ فرزند خود را نبیند

*حسن مرتضوی: و کشتگان روایت می کنند....

اینجا شهر آرام است. مثل همیشه. آدمها سرکار می روند. از سرما به خود می لرزند و در ترافیکی سرسام آور به خانه می رسند. تهران مثل همیشه کثیف و دودآلود است. پر همه، اشفته و شلوغ. اگر ناظری خارجی باشی و به تهران بیایی ظاهرا چیزی نمی بینی. چیزی هم نیست که در ظاهر ببینی اما کافیت بروی یک محله کوچکی گمنام در جنوب شهر. کاغذی بر سر در هر مغازه هست با عکس مرد جوان و رشید و آن جمله همیشگی جوان ناکام... یا اگر بروی به یکی از خیابانهای قدیمی شهر مثل نظام آباد، آنجا که می گویند جهنم بود، اعلانهای وفات با عکسهای نیمه پاره و ریز ریز شده در کف خیابانها با چهره جوانانی که معصومان به تو زل زده اند... شهر ساکت و مغموم است اما پا به محل کار که می گذاری، صدای هق هق خفگی همکارت، چشمان پف کرده دوستت، ناله های ریز کسی به گوش می رسد. اگر از بخت و اقبال اینترنت موبایل باز باشد و فیلتر شکن خوبی داشته باشی، رژه عکسها بی امان ادامه دارد: حسین، کاظم مریم، علی، رامتین، ماندانا و ... و یک عالم و ... و انبوهی جوان که در حالت های مختلف برای رفیقی دوست دختری دوست پسری مادر پدري فرزندی کسی ژست گرفته اند. عکس پدر و مادری را می بینی که از غم کشته شدن دو فرزند برومند خود خویشتن را حلق اویز کرده اند. ... بعد در خیابانها اسفالت ذوب شده، لکه های خون، تابلوی از جا کنده شده راهنمایی و رانندگی، ساختمان سوخته و آتش گرفته و دود شده باهات حرف می زنند. به نجوا، و زیر لب حکایت می کنند که

برای من مگری و مگو دریغ دریغ

به دام دیو درافتی دریغ آن باشد

*بیانیه هیات مدیره انجمن جامعه شناسی ایران درباره اتفاقات دی ماه

در روزهای گذشته، کشور شاهد موجی گسترده از خشونت و کشته‌شدن هزاران شهروند بوده است؛ رخدادهایی که ابعاد انسانی، اجتماعی و سیاسی آن، جامعه را در وضعیتی عمیقاً نگران‌کننده قرار داده است. این شرایط، اگرچه برای بسیاری تکان‌دهنده و ناگهانی به نظر می‌رسد، اما در واقع بی‌سابقه و غیرقابل‌پیش‌بینی نبوده است. در سال‌های گذشته، تحلیل‌گران حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بارها نسبت به انباشت بحران‌ها و پیامدهای تداوم مسیرهای نادرست هشدار داده و نسبت به رسیدن جامعه به نقطه‌ای مشابه آنچه امروز شاهد آن هستیم، اخطار داده بودند؛ هشدارهایی که عمدتاً با بی‌توجهی ساختاری مواجه شد.

در چنین وضعیتی، امکان مدیریت بحران صرفاً از طریق روایت‌سازی و کنترل گفتمانی، عملاً از میان رفته و جامعه وارد چرخه‌ای از خشونت فزاینده شده است؛ چرخه‌ای که نه تنها امنیت انسانی، بلکه چشم‌انداز آینده ایران‌زمین را با ابهام و بیمی جدی مواجه کرده است. استمرار این روند، پیامدهایی فراتر از مقاطع کوتاه‌مدت داشته و بنیان‌های همبستگی اجتماعی و اعتماد عمومی را به شدت فرسوده می‌کند.

با توجه به این پیامدها، انجمن جامعه‌شناسی ایران، در مقام یک نهاد علمی و اجتماعی، وظیفه خود می‌داند نسبت به ابعاد انسانی و اجتماعی این وضعیت موضع‌گیری کرده و بر ضرورت توقف خشونت و بازاندیشی جدی در مسیرهای طی‌شده تأکید کند.

این انجمن با تأثر و نگرانی عمیق، تداوم خشونت‌های گسترده و کشته‌شدن چند هزار انسان را که بخش قابل‌توجهی از آنان غیرنظامیان بی‌دفاع بوده‌اند، فاجعه‌ای عمیقاً انسانی و نگران‌کننده می‌داند. ابعاد این رویدادها، فراتر از آمار و ارقام، نشانه فروپاشی مکرر اصول بنیادین کرامت انسانی و تهدیدی جدی برای همبستگی اجتماعی و وجدان جمعی است.

از منظر جامعه‌شناختی، عادی‌شدن مرگ گسترده انسان‌ها و تداوم چرخه خشونت، پیامدهایی بلندمدت و ویرانگر برای اعتماد اجتماعی، امنیت انسانی و امکان همزیستی مسالمت‌آمیز در آینده به همراه خواهد داشت. هیچ مصلحت سیاسی یا نظامی نمی‌تواند توجیه‌گر چنین سطحی از رنج و ویرانی انسانی باشد.

انجمن جامعه‌شناسی ایران، در چارچوب مسئولیت علمی و اجتماعی خود، بر ضرورت فوری توقف خشونت‌ها، احترام مؤثر به جان غیرنظامیان، و پایبندی عملی به اصول شناخته‌شده حقوق بشر و حقوق بین‌الملل انسانی تأکید می‌کند. بی‌تفاوتی در برابر این حجم از رنج انسانی، نه تنها از منظر اخلاقی، بلکه از منظر علمی و اجتماعی نیز غیرقابل‌دفاع است.

ما همدردی عمیق خود را با قربانیان و بازماندگان این رویدادهای تلخ اعلام می‌کنیم و بر این باوریم که تنها از مسیر عقلانیت، مسئولیت‌پذیری و تلاش جدی برای یافتن راحل‌های غیرخشونت‌آمیز می‌توان مانع تداوم این چرخه مخرب شد.

***نامه سرگشاده انجمن جهانی پزشکی به مقامات جمهوری اسلامی**

انجمن جهانی پزشکی پس از گزارش‌های تأیید شده مبنی بر افزایش شدید خشونت علیه پرسنل درمانی و سوءاستفاده از امکانات پزشکی در هفته‌های اخیر، نامه سرگشاده فوری به مقامات جمهوری اسلامی ایران صادر کرده است.

گزارش‌ها از استان‌های اصفهان و چهارمحال و بختیاری نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی معترضان مجروح را در داخل محوطه بیمارستان دستگیر کرده‌اند. همچنین بنا به گزارش‌ها، به کارکنان بیمارستان دستور داده شده است که بیمارانی را که دچار جراحات ناشی از تیراندازی شده‌اند به مقامات امنیتی گزارش دهند و عدم رعایت این دستور، آنها را در معرض پیگرد قانونی و سایر اقدامات تلافی‌جویانه قرار می‌دهد.

انجمن جهانی پزشکی از آزار و اذیت نگران‌کننده پزشکان ایرانی عمیقاً خشمگین است. این نامه تأکید می‌کند که دکتر علیرضا گلچینی از جمله متخصصان درمانی است که اکنون جانشان صرفاً به دلیل طبابت اخلاقی و تلاش برای نجات جان انسان‌ها در معرض خطر است.

دکتر ژاکلین کیتولو، رئیس انجمن جهانی پزشکی، خاطرنشان کرد: «این اقدامات نقض جدی اصول اخلاقی اصلی حرفه ما و همچنین حقوق اساسی بشر است. پزشکان باید بتوانند وظایف خود را بدون مانع، دخالت یا ترس از انتقام انجام دهند.»

انجمن پزشکان جهانی خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط همه پزشکانی است که صرفاً به دلیل انجام وظایف حرفه‌ای خود بازداشت شده‌اند. این انجمن از مقامات ایرانی می‌خواهد که شرایط کاری ایمن را برای پرسنل بهداشتی تضمین کنند، از مراکز درمانی در برابر سوءاستفاده محافظت کنند و فوراً به استفاده از خشونت توسط نیروهای امنیتی پایان دهند. این نامه همچنین خواستار تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه در مورد همه موارد نقض ادعایی قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر است.

این انجمن یادآوری می‌کند که ایران باید به تعهدات خود طبق میثاق‌های بین‌المللی که در سال ۱۹۷۵ تصویب کرده است، عمل کند و از مقامات می‌خواهد که با همه افراد تحت صلاحیت خود با احترام، عزت و انسانیت رفتار کنند.

<https://www.wma.net/news-post/world-physicians-urge-iran-to-end-violence-against-health-personnel/>

****نیمکت‌های خالی**

کودکان از دست رفته؛ خاطره‌ای که خاموش نمی‌شود

خون کودکان بی‌گناه، محصول مستقیم سرکوب بی‌رحمانه است. هر نیمکت خالی، فریاد خاموش نسلی است که با تیر و وحشت از حق زندگی، امنیت و آموزش محروم شده و یادآور نسلی است که با خشونت، آینده‌اش ربوده شد.

93- نام کودک: نیما جعفری

محل کشته شدن: کرج

تاریخ: _ دی ماه ۱۴۰۴

94- نام کودک: میلاد تیموری

محل کشته شدن: تربت جام

تاریخ: ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴

95- نام کودک: امیر محمد لطفی

محل کشته شدن: اسلام شهر

تاریخ: ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴

96- نام کودک: محمدپویا کریم آبی

محل کشته شدن: اسفراین

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴

97- نام کودک: سهیل فتوحی

محل کشته شدن: رودبار

تاریخ: ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴

98- نام کودک: اسرا طاووسی نیا

محل کشته شدن: سنقر

تاریخ: ۱۸ دی ماه ۱۴۰۴ در کرمانشاه با شلیک مستقیم مجروح شد و پس از دو هفته کما، روز ۴
بمن ۱۴۰۴ جان باخت.

99- نام کودک: سامیار علی پور

محل کشته شدن: تهران

تاریخ: _ دی ماه ۱۴۰۴

100- نام کودک: ثنا توسنگی

محل کشته شدن: هشتگرد

تاریخ: ۱۹ دی ماه ۱۴۰۴

101- نام کودک: محمدمهدی صفری

محل کشته شدن: میمند، فارس

تاریخ: ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، ضمن ابراز تأسف عمیق و همدردی با خانواده‌های داغدار، خواستار پایان فوری خشونت، تضمین امنیت جانی کودکان و آزادی تمامی بازداشت‌شدگان است.

توجه: شورا اسامی این کودکان را بر اساس اخبار منتشرشده در شبکه‌های قابل اعتماد و منابع معتبر منتشر می‌کند. اگر اطلاعاتی موثق دارید، لطفاً با ما به اشتراک بگذارید تا گزارش‌ها دقیق‌تر و مستندتر شوند.

(برای مشاهده تصاویر به کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران مراجعه شود)

***کشته شدن یک کودک هشت‌ساله در پی تیراندازی نظامیان حکومتی در سیریک**

امیرعلی نوری‌زاده، کودک هشت‌ساله اهل شهرستان سیریک استان هرمزگان، شامگاه چهارشنبه ۸ بهمن ۱۴۰۴ جان خود را در پی تیراندازی بی‌دلیل نیروهای انتظامی از دست داد.

طبق گزارش منابع محلی، این کودک بی‌گناه در محله طاهروئیه، زمانی که یک خودروی نیروی انتظامی در حال تعقیب خودرویی مظنون به حمل کالای قاچاق بود، هدف گلوله قرار گرفت.

بر اساس گزارش‌ها، پس از انتقال امیرعلی به بیمارستان، نیروهای انتظامی اقدام به محاصره بیمارستان کرده و از انتشار اخبار و جزئیات این حادثه جلوگیری کردند.

این واقعه غمبار منجر به خشم گسترده شهروندان شد و شماری از مردم خشمگین به مقابله با نظامیان پرداختند و دو دستگاه خودروی این نیروها را به آتش کشیدند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکوم کردن این جنایت و ابراز همدردی با خانواده این کودک عزیز، خواهان پاسخگویی مسئولان در این رابطه است.

***دانشجویان متحد:**

۱- صدرا سلطانی به قتل رسید

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، جاویدنام صدرا سلطانی، ۲۴ ساله و دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته معماری دانشگاه آزاد تهران، روز ۱۸ دی‌ماه در تهران و در محدوده هفت‌حوض نارمک با شلیک گلوله نیروهای حکومتی جان خود را از دست داد.

۲- ایلیا عباسی به قتل رسید

جاویدنام ایلیا عباسی، اهل آمل و متولد ۱۳۸۳، دانشجوی رشته حقوق دانشگاه شمال آمل، شامگاه ۱۹ دی در خیابان طالب آملی به دست نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی کشته شد.

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، جمهوری اسلامی با بی‌شرمی تمام، ایلینا عباسی را به عنوان بسیجی معرفی کرده است.

3- نگین قدیمی به قتل رسید

جاویدنام نگین قدیمی، ۲۸ ساله، دانشجوی رشته بیوتکنولوژی و اهل شهبسوار، روز ۱۹ دی‌ماه در جریان اعتراضات مردمی با شلیک گلوله جنگی نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی جان خود را از دست داد.

به گفته نزدیکانش، گلوله به پهلوی نگین اصابت کرد و او در آغوش پدرش جان سپرد. نگین به هنر و شنا علاقه‌مند بود.

4- شیلان صالحی به قتل رسید

جاویدنام شیلان صالحی، دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی، روز پنج‌شنبه ۱۸ دی‌ماه در تهران بر اثر شلیک مستقیم نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی جان خود را از دست داد.

نهادهای امنیتی با تهدید خانواده، اخذ تعهد و دریافت مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان، پیکر شیلان صالحی را به خانواده‌اش تحویل داده‌اند. پیکر او شامگاه دوشنبه ۶ بهمن‌ماه ۱۴۰۴ در آرامستان شهرستان بانه به خاک سپرده شد.

5- وقاحت دانشگاه امام خمینی قزوین در معرفی صفورا جعفری به عنوان شهید حکومتی!

در حالی که صفورا جعفری، (<https://t.me/anjmotahed/8345>) دانشجوی رشته ریاضیات دانشگاه امام خمینی قزوین، روز ۱۹ دی‌ماه به دست سرکوبگران جمهوری اسلامی به قتل رسیده، دانشگاه امام خمینی وقیحانه در تلاش است تا این دانشجو را شهید حکومتی جا بزند.

دانشگاه امام خمینی وقیحانه با انتشار پیامی مدعی شده که این دانشجو «به دست مزدوران آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت رسیده است.»

گفته می‌شود پس از انتشار خبر کشته‌شدن صفورا جعفری، برخی دانشجویان پیام‌هایی از کانال شخصی این دانشجو به اشتراک گذاشته‌اند که نشانه‌هایی از آزادی‌خواه بودن این دانشجو دارد. در پی این اقدام، دانشگاه دیگر دانشجویان را مجبور کرده که این پیام‌ها را از گروه عمومی دانشگاه پاک کنند و دسترسی افراد به کانال شخصی صفورا جعفری را هم محدود کرده‌اند.

6- جان باختن الینا بهرامی دانشجوی دانشگاه تهران

بنا بر گزارش انجمن علمی دانشجویی زبان آلمانی دانشگاه تهران، الینا بهرامی، دانشجوی ورودی ۱۴۰۴ رشته زبان و ادبیات آلمانی، جان خود را از دست داده است.

گفته می‌شود علت فوت توسط خانواده خودکشی عنوان شده است.

7- سهند عباس‌نیا توسط نیروهای سرکوب بازداشت شد

سهند عباس‌نیا، دانشجوی رشته معماری دانشگاه هنرهای اسلامی تبریز، در تاریخ دوم بهمن‌ماه، در منزل خانواده خود در شهر مراغه توسط نیروهای سرکوب بازداشت شده است.

گزارش‌ها حاکی از آن است که در جریان این بازداشت، تلفن همراه شخصی و برخی وسایل متعلق به وی نیز ضبط شده است. این اتفاق در حالی رخ داده که آقای عباس‌نیا پیشتر در تاریخ نوزدهم دی‌ماه، در شهر تبریز و به صورت موقت بازداشت شده و پس از گذراندن یک شب در بازداشتگاه، آزاد شده بود.

لازم به ذکر است که در حال حاضر محل نگهداری و وضعیت این دانشجو نامشخص بوده و در بازداشت به‌سر می‌برد. همچنین تاکنون اطلاعی از سوی نهادهای رسمی در این مورد به خانواده وی ابلاغ نشده است.

8- عرشیا مهرآزما توسط نیروهای سرکوب بازداشت شد

به گزارش مجمع دانشجویان پلی‌تکنیک، عرشیا مهرآزما دانشجوی ارشد ژئوتکنیک دانشگاه امیرکبیر، روز ۱۹ دی در محله نارمک بازداشت شده است.

تا کنون اطلاعیه رسمی درباره وضعیت و محل نگهداری وی منتشر نشده است.

بنابر اطلاعات دریافتی منابع نزدیک به خانواده عرشیا مهرآزما، پرونده وی با اتهاماتی دروغین و سنگین مواجه شده و خانواده او تحت فشار شدید قرار گرفته‌اند.

9- محمد مصلحی‌جویباری بازداشت شد.

به گزارش شورای صنفی دانشگاه علم و صنعت، محمد مصلحی‌جویباری دانشجوی ورودی ۱۴۰۲ مقطع کارشناسی ارشد مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت هفته گذشته در منزل شخصی خود توسط مأموران امنیتی بازداشت شده است و تاکنون در بازداشت به سر می‌برد.

10- دکتر فرهاد نادعلی بازداشت شد

دکتر فرهاد نادعلی، متخصص جراحی عمومی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، در جریان اعتراضات اخیر، توسط نیروهای سرکوب بازداشت شده و تا این لحظه هیچ اطلاعی از محل نگهداری وی و وضعیت او در دسترس نیست.

***گزارش میدانی از محوطه بیرونی زندان زنان قرچک**

سختی تأمین وثیقه‌های سنگین

ابر، تمام آسمان اغلب خاکستری جاده تهران- ورامین را در بر گرفته است. در یکی از سردترین روزهای زمستان امسال، پارکینگ زندان زنان قرچک شهرری، قابی شده از خانواده‌هایی که سراغی می‌گیرند از فرزندان‌شان. سه سال پس از اعتراضات شهریور ۱۴۰۱، این زندان یک بار دیگر شلوغ‌تر از حالت عادی خود، علاوه بر زنان زندانی عمومی تهران، به محل نگهداری بازداشت‌شدگان زن اعتراضات اخیر تهران بدل شده است. تعداد دقیق بازداشت‌شدگان روشن نیست، اما قرار

بازداشت‌های یک‌ماهه و بیشتر از یک سو و وثیقه‌های چند میلیاردی از سوی دیگر، امکان برون‌رفت از این فضا را برای بازداشتی‌ها و خانواده‌های آنها دشوار کرده است. دخترانی از پاکدشت، قوه، مامازن، حسن‌آباد، ورامین، بهارستان، اسلامشهر و رباطکریم که حالا همگی در بند قرنطینه زندان زنان قرچک روز و شب می‌گذرانند.

امروز آزاد می‌شود، اما نگران دادگاهم

آمار رسمی درباره تعداد بازداشت‌شدگان هنوز اعلام نشده است. با این وجود «ز» خبرهایی از دخترش شنیده که روایت می‌کند. سن‌وسال زیادی ندارد، اما صورتش، بیشتر چشم‌هایش، شبیه زنان سالخورده است. شوهرش را سال‌ها پیش از دست داده و جز یک دخترش که حالا در زندان به سر می‌برد، دو دختر دیگر هم دارد. 12 روز از «قوه» در حوالی پاکدشت تا قرچک را رفته و آمده تا دخترش را از زندان درآورد. چندباری هم مجبور شده تا تهران برود و به دادسراها سر بزند تا بفهمد از کجا باید پیگیر پرونده بچه‌اش شود. امروز هم بالاخره برای آزادی او به زندان قرچک آمده است: «خودم که آنجا را ندیده‌ام، اما دخترم می‌گوید همه آنها را در بند قرنطینه زندان قرچک نگه داشته‌اند». او البته امروز بالاخره پس از 12 روز خنثی شده است: «حالا که آمده‌ام دخترم را آزاد کنم، خوشحالم. دخترم را در ساعت شلوغی اعتراضات، وقتی در حال رد شدن از خیابان بود، با بقیه گرفتند. یعنی 12 روز حبس بکشی فقط به این دلیل که مسیرت با گروهی دیگر یکی بود؟ این انصاف است؟».

خدا را شکر می‌کند که برادرش برای وثیقه به آنها کمک کرده است: «وقتی گفتند وثیقه لازم است، فکر کردم می‌توانیم خانه خودمان را بگذاریم؛ اما هم خانه‌مان پنج میلیارد نمی‌ارزید و هم اینکه زیر وام بود. برادرم به کمک ما آمد و سند خانه خودش را داد. این روزها که با دخترم صحبت می‌کنم، خیلی از بچه‌های دیگری که در زندان هستند اصلاً امکان وثیقه ندارند؛ آن‌هم چندین میلیارد. چند روز پیش گفته بود برای یک نفر هشت میلیارد وثیقه بریده‌اند». «ز» اگرچه خوشحال آزادی دخترش است، اما نگران دادگاه است: «گفته‌اند تا زمان برگزاری دادگاه و حکم آزاد می‌شود. حالا می‌ترسم دادگاه او را به زندان بفرستد. دختر بزرگ من است. اصل کارهای زندگی ما با او است. واقعاً حقش نیست که جوانی‌اش را در زندان سپری کند. امیدم به دادگاه است که آنجا مشخص شود کاری نکرده». می‌پرسم، دست‌تنها و بدون شوهر، بزرگ‌کردن سه دختر نباید کار ساده‌ای باشد: «دختر داریم تا دختر. بچه‌های من یکی از یکی بهترند. نشد درس بخواند و دانشگاه بروند، اما کار می‌کنند. همین که الان بردنش زندان، در کارگاهی مشغول است که سالاد و سس برای رستوران‌ها درست می‌کنند؛ شغلی که هم آبرومند است و هم سالم. دختر دیگرم هم در مغازه‌ای فروشنده می‌کند. سومی هنوز برایش زود است که سر کار برود، اما هیچ چیزی از من نمی‌خواهد، نکند نتوانم برایش تهیه کنم. خودم را هم می‌بینی که چقدر لاغرم. کم می‌خوریم تا هزینه‌ها زیاد نشود».

چرا با یک تعهد آزادش نکردند

برای وارد شدن به سالن ملاقات زندان قرچک باید موبایل‌تان را مقابل در تحویل دهید. ابتدا وارد اتاقی می‌شوید که برای انتظار است؛ بیشتر برای آنها که می‌خواهند به سالن ملاقات بروند. برخی دیگر هم شبیه «ز» که منتظر آزادی هستند، یا همان‌جا یا در پارکینگ منتظر خانواده خود می‌مانند. خانواده دیگری نیز آنجا حضور دارند. یک مرد و دو زن؛ روز ملاقات است و آمده‌اند دخترشان را ببینند.

از بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر است و 19 سال بیشتر ندارد. خواهر بزرگش می‌گوید نگران خواب و خوراکش هستند: «هر روز زنگ می‌زند و از حالش خبر می‌دهد؛ اما ما نگرانیم که چه می‌خورد و کجا می‌خوابد. خیلی‌ها هم روی زمین می‌خوابند. هوا سرد است، طبیعی است هر خانواده‌ای نگران عزیزش باشد».

«س» می‌گوید خواهرش برای اعتراضات به خیابان رفته بود، اما کار خلافی نکرده است: «ما اهل شهرری هستیم. شما خودتان اوضاع زندگی مردم را می‌بینید که چقدر سخت شده است. خواهرم 19 سال بیشتر ندارد، خیلی جوان است؛ جوانی که برای آینده‌اش آرزو و برنامه دارد، ولی می‌بیند شانسی ندارد. معلوم است وقتی مردم به‌خاطر مشکلات اقتصادی و معیشتی اعتراض می‌کنند، او هم هم‌صدا می‌شود. آیا باید برای چنین چیزی این‌همه در زندان بماند؟ می‌دانم که خلافی نکرده و به جایی یا کسی آسیب نرسانده، پس می‌توانند به راحتی با یک تعهد آزادش کنند. چرا باید دختر 19 ساله این‌همه وقت در زندان بماند؟».

بیچاره آنها که نمی‌توانند وثیقه بگذارند

«پیداکردن این زندان‌ها در تهران هم سختی خودش را دارد»؛ این را پدری می‌گوید که حالا 18 روزی بین خانه، زندان قرچک، دادگاه انقلاب و دادسرا در آمدوشد است: «از لحظه نخست بازگشایی چنین پرونده‌هایی، زندانی از یک طرف و خانواده از طرف دیگر تحت فشار قرار می‌گیرند. الان 18 روز می‌شود که من بین خانه، زندان، دادسرا و دادگاه در ترددم. پاسخ‌گویی مسئولان یک طرف، پیداکردن زندانی که کیلومترها از شهر دورتر است، طرف دیگر. حالا تصور کنید اینترنت هم نیست و هیچ‌کدام از برنامه‌های مسیریابی هم کار نمی‌کنند. حتی جی‌پی‌اس هم از کار افتاده؛ واقعا سخت است. یک روز حساب کردیم، اندازه یک تهران- شمال در راه بودیم تا به زندان برسیم».

او به‌تازگی توانسته از وکیلی برای پرونده دخترش کمک بگیرد، اما به او گفته‌اند تا زمان دادگاه هر وکیلی امکان ورود به پرونده ندارد: «انگار فقط برخی وکلا می‌توانند به دادسرا بروند. حالا من مانده‌ام و همسری که می‌گوید باید دخترم را آزاد کنی. البته دختر خودم قوی است و وقتی تلفنی حرف می‌زند هیچ شکایتی نمی‌کند. واقعا از خودش صبوری نشان داده است. او جرمی مرتکب نشده و می‌دانم که به‌زودی باید آزاد شود». مرد دلش برای بازداشت‌شدگانی می‌سوزد که توان تأمین وثیقه ندارند: «خوشبختانه خانهای داریم که به محض اعلام وثیقه می‌توانیم آن را ارائه دهیم، اما دخترم می‌گوید اینجا خیلی از هم‌بندی‌هایش از طبقات اقتصادی پایین جامعه هستند. بیشترشان خانهای ندارند. کسی را هم ندارند برایشان کاری کند. نگران آن دخترها هستم و می‌دانم که آنها هم عزیز پدر و مادرشان هستند. امیدوارم هیچ پدر و مادری داغ فرزندش را نبیند».

قرار بازداشت برای چندین نفر

«پرتو برهان‌پور»، وکیل پایه‌یک دادگستری، نسبت به تعداد قرارهای بازداشت موقت انتقاد می‌کند: «براساس مشاهدات عینی و نه آمارهای رسمی، آنچه دیده‌ها و گفت‌وگوها با موکلان نشان می‌دهد، افراد زیادی با قرار بازداشت روبه‌رو شده‌اند. طبق قانون، قرارهای تأمین دسته‌بندی شده‌اند و این امکان برای بازپرس و قاضی وجود دارد که از انواع و اقسام این قرارها استفاده کند. قرار بازداشت

موقت، بالاترین سطحی است که واضع قانون در نظر گرفته است. اما آیا دیگر اشکال این قرارها، مثل قرار کفالت و وثیقه قابل استفاده نیستند؟».

او البته امید دارد احکامی که قرار است صادر شود، با نگاه به آزادی متهمان باشد: «ما امیدواریم وعده دستگاه قضا مبنی بر «سرعت بالای رسیدگی به پرونده‌های اعتراضات اخیر» صرفاً محدود به صدور محکومیت‌های متعدد نباشد، بلکه سازوکاری برای آزادی متهمان نیز تعبیه شود».

برهان‌پور توجه ویژه به پرونده دانشجویان در زمان امتحانات را هم ضروری می‌داند: «همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، بازداشت‌ها شامل افراد مختلف جامعه از گروه‌ها و طبقات مختلف می‌شود. مثلاً تعداد بسیار زیادی از افرادی که به وکلا مراجعه می‌کنند، دانشجو هستند. توجه ویژه به پرونده دانشجویان مهم است؛ چون همین حالا هم امتحانات آنها آغاز شده است و باید حق حضور در امتحانات را داشته باشند». این وکیل پایه‌یک دادگستری با اشاره به هزینه‌های بالایی که به خانواده بازداشت‌شدگان تحمیل می‌شود، ادامه می‌دهد: «بسیاری از بازداشتی‌های اخیر، متعلق به شهرستان‌های اطراف تهران هستند. اغلب آنها شرایط اقتصادی مناسبی ندارند و حالا این روزها خانواده‌هایشان در مضیقه جدی قرار گرفته‌اند. در حالی که ما می‌دانیم ریشه اعتراضات اخیر، اقتصادی و معیشتی بوده است، حالا بخش زیادی از همان افراد در حال تجربه وضعیت دردناکی هستند. بازداشت‌شدگان اعتراضات اخیر در سه زندان قرچک، تهران بزرگ و فشافویه نگهداری می‌شوند. فقط موضوع رفت‌وآمد به این زندان‌ها می‌تواند هزینه بسیار زیادی به خانواده‌های بازداشت‌شدگان تحمیل کند؛ چراکه این زندان‌ها خارج از شهر هستند، امکان تردد با وسایل حمل‌ونقل عمومی برای آنها وجود ندارد و در نتیجه مجبور به پرداخت هزینه‌های بالا می‌شوند. به اینها هزینه زندانی‌شان هم که کارت تلفنشان را شارژ کنند و به کارت خرید پول بریزند باید اضافه کرد».

نکته دیگر اینکه برخی خانواده‌ها ساکن تهران نیستند و از شهرستان‌های دیگر به زندان‌های پایتخت مراجعه می‌کنند: «برخی خانواده‌ها اصلاً ساکن تهران نیستند. این موضوع مشخصاً درباره جوانان دانشجویی که شهرستانی بوده‌اند و به‌خاطر تحصیل به تهران مهاجرت کرده‌اند، با فراوانی درخور توجهی دیده می‌شود. حالا والدین یا سایر بستگان درجه‌یک این افراد به تهران آمده‌اند. برخی در منزل اقوام‌شان ساکن شده‌اند و برخی دیگر هیچ‌جایی ندارند. این موضوع هم فشار زیادی به خانواده‌ها وارد کرده است».

برهان‌پور با اشاره به دشواری تأمین وثیقه برای خانواده‌هایی که از اقشار ضعیف جامعه هستند، تأکید می‌کند: «تأمین وثیقه هم برای این خانواده‌ها اصلاً کار ساده‌ای نیست. بسیاری از آنها مستأجرند و باید در بین اقوام، آشنایان و همسایه‌ها دنبال وثیقه بگردند. برخی هم که خانه کوچکی از خودشان دارند، به واسطه اینکه آن خانه در حاشیه شهر قرار گرفته است، عموماً سند تک‌برگ ندارد. از سوی دیگر، خانه‌ها زیر بار وام مسکن است. یعنی حتی آنهایی که می‌توانند از نظر قانونی با وثیقه آزاد شوند نیز در این شرایط کاری از دست‌شان بر نمی‌آید و باید در همان زندان منتظر دادگاه بمانند».

اختلال در روند تودیع وثیقه

«مصطفی نیلی»، وکیل پایه‌یک دادگستری نیز با تأکید بر عده‌های بالایی که برای وثیقه در نظر گرفته شده است، می‌گوید: «وثیقه‌ها بسیار سنگین هستند. ظاهراً براساس تورم و بالارفتن قیمت طلا و

ارز، مبلغ وثیقه هم بالا رفته است. حالا به ازای هر سال حبس، یک میلیارد وثیقه در نظر گرفته می‌شود. این عدد در سال 1401، سالی صد میلیون تومان بود. مشکل فقط این نیست؛ معضل دیگری که خانواده‌ها و وکلا با آن دست‌به‌گریبان هستند، نبود امکان تودیع وثیقه است». به گفته او، علی‌رغم اینکه وثیقه برای متهم ابلاغ می‌شود، امکان تودیع بسته است: «ما این موضوع را در سال‌های گذشته هم دیده بودیم، اما این بار بسیار بیشتر شده است. اتفاقی که رخ می‌دهد این است که برای متهم فک بازداشت رخ می‌دهد و قرار بازداشت به قرار وثیقه تبدیل می‌شود، اما شرایط تودیع وثیقه در اختیار خانواده‌ها قرار نمی‌گیرد. یعنی خانواده به دادگاه مراجعه می‌کند ولی اجازه ورود به او داده نمی‌شود، زمان ارائه وثیقه از بین می‌رود و در نتیجه در پرونده ذکر می‌شود «عجز از تودیع وثیقه». پس از آن، به زمان بازداشت متهم افزوده می‌شود و باید تا زمان دادگاه در زندان باقی بماند. حال آنکه خانواده وثیقه را تأمین کرده بودند».

او از روند آیین دادرسی انتقاد می‌کند و می‌گوید: «نظام حقوقی در شرایط این‌چنینی که اعتراضاتی کل کشور را در بر می‌گیرد، دچار اختلال می‌شود. وقتی اول صبح، متهمی را در بازداشتگاه یا زندان از خواب بیدار می‌کنند که به دادگاه برود، درحالی‌که نه کیفرخواستی به او ابلاغ شده و نه وکیلی در اختیار داشته، عملاً روند آیین دادرسی خدشه‌دار شده است».

گزارش رسانه ای شده بتاريخ 8 بهمن

***بیانیه اعلام مخالفت دانشجویان دانشگاه گیلان با مجازی‌شدن ترم آینده**

ما، جمعی از دانشجویان #دانشگاه_گیلان، در برابر سرکوب سیستماتیک، کشتار معترضان و تلاش مستمر حاکمیت برای عادی‌سازی خشونت، سکوت را خیانت به حقیقت می‌دانیم و مخالف مجازی شدن ترم آتی هستیم. دانشگاه گیلان، به‌عنوان یکی از دانشگاه‌های باسابقه و ریشه‌دار کشور، همواره محل پرورش آگاهی، نقد قدرت و مطالبه‌گری اجتماعی بوده است؛ و امروز نیز از این مسئولیت تاریخی عقب نخواهد نشست.

دانشجویان دانشگاه گیلان، در امتداد سنت دیرینه‌ی مقاومت دانشگاه در ایران، در تمامی اعتراضات علیه ظلم و بی‌عدالتی جمهوری اسلامی حضور داشته‌اند؛ حضوری آگاهانه، پرهزینه و شجاعانه. ما شاهد بودیم که چگونه مطالبه‌ی ابتدایی آزادی، کرامت انسانی و برابری، با سرکوب، بازداشت، تهدید و خشونت پاسخ داده شد. اما این سرکوب، نه تنها صدای ما را خاموش نکرد، بلکه اراده‌ی راسخ‌تر برای ایستادگی آفرید.

حاکمیت، از نقش تاریخی دانشگاه و نیروی دانشجوی هراس دارد. تعطیلی فضای حضوری، محدودسازی فعالیت‌های دانشجویی، فشارهای امنیتی و تلاش برای منفعل‌سازی دانشگاه، همگی نشانه‌ی ترس از کنش جمعی و آگاهی سازمان‌یافته است. آنچه قدرت را می‌ترساند، نه شعار، بلکه پیوند اندیشه و عمل است؛ و این پیوند، در دانشگاه گیلان زنده است.

ما بر این باوریم که دانشگاه، صرفاً محل آموزش نیست؛ دانشگاه وجدان بیدار جامعه است. دانشجویان گیلان، با ایستادن در کنار مردم و فریاد زدن مطالبات به‌حق، نشان داده‌اند که علم بدون مسئولیت اجتماعی، تهی است و دانشگاه بدون دانشجوی منتقد، معنا ندارد.

لذا ما از تمامی دانشجویان دانشگاه گیلان و همچنین دانشجویان آگاه و مسئولیت‌پذیر در همه‌ی دانشگاه‌های کشور می‌خواهیم که در این مسیر کنار یکدیگر بایستند و به این اعتراض متحدانه بپیوندند.

***کانون نویسندگان ایران:**

1- علی اسدالهی بازداشت شد

علی اسدالهی، شاعر و عضو کانون نویسندگان ایران، یکشنبه ۵ بهمن ۱۴۰۴ به دست مأموران امنیتی بازداشت شد.

به گفته‌ی نزدیکان اسدالهی، این بازداشت با یورش مأموران امنیتی به خانه‌ی او و همراه با ضرب‌وشتم صورت گرفته و وسایل ارتباطی و الکترونیکی او نیز ضبط شده است.

تاکنون هیچ اطلاعی از محل بازداشت و نهاد بازداشت‌کننده‌ی اسدالهی در دست نیست و خانواده‌ی او در نگرانی و بی‌خبری به سر می‌برند.

علی اسدالهی پیش‌تر نیز در ۳۰ آبان‌ماه ۱۴۰۱، اندکی پس از آغاز فعالیتش به عنوان منشی کانون نویسندگان ایران، در منزل شخصی خود بازداشت شده بود. او پس از سپری کردن بیش از سه ماه بازداشت و آزادی از «زندان تهران بزرگ»، از این سمت کناره‌گیری کرد.

2- تداوم بازداشت یوسف انصاری، نویسنده و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران

بهرغم صدور قرار وثیقه و تأمین آن، یوسف انصاری همچنان در زندان تهران بزرگ به‌سر می‌برد.

یوسف انصاری، نویسنده و عضو هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران، ۱۸ دی‌ماه ۱۴۰۴ در مراسم بزرگداشت بکتاش آبتین در امام‌زاده عبدالله شهر ری بازداشت شد. مأموران امنیتی انصاری را که در این بزرگداشت بیانیهِی کانون نویسندگان ایران را خوانده بود، دقایقی بعد از پایان مراسم و هنگام خروج از گورستان محاصره و بازداشت کردند.

دقایقی بعد مصطفی خسروی بابادی نیز، که در این مراسم شعری از بکتاش آبتین را خوانده بود، بازداشت شد. او نیز کماکان در شرایط مشابه، در زندان تهران بزرگ به سر می‌برد.

شعبه‌ی ۸ دادسرای شهر ری ۱۹ دی ماه برای یوسف انصاری وثیقه‌ی یک میلیارد تومانی و برای مصطفی خسروی بابادی وثیقه‌ی ۷۰۰ میلیون تومانی صادر و هر دو را به زندان تهران بزرگ منتقل کرد. با وجود اینکه یک روز بعد وثیقه آماده و ارائه شد، دادسرای شهر ری وثیقه‌ی انصاری و خسروی را نپذیرفت و مراجعه‌ی هر روزه به دادسرا نیز جز پاسخ‌های مبهم و ضد و نقیض حاصلی نداشت. بسیاری از بازداشت‌شدگان دیگر نیز در شرایطی مشابه‌اند و حضور هر روزه‌ی خانواده‌ها مقابل دادسرا راه به جایی نمی‌برد.

بهرغم پیگیری‌های مکرر کانون نویسندگان ایران تا کنون مراجع قضایی پاسخی روشن در خصوص تداوم این بلاتکلیفی و بازداشت نداده‌اند. این در حالی است که قرار بازداشت پیش‌تر فک شده و وثیقه‌ی مورد مطالبه نیز ارائه شده است.

***پرونده‌سازی علیه معلم کورد اهل ایلام پس از ویدیوی اعتراضی**

جلال فرامرزی، معلم کورد اهل ایلام، پس از انتشار ویدیوی اعتراضی و دعوت به اعتصاب، در ۲۳ دی ۱۴۰۴ به اداره اطلاعات سپاه ایلام احضار شد و به گفته منابع مطلع، چندین ساعت تحت بازجویی قرار گرفت.

همچنین عنوان شده به دلیل امتناع او از ضبط ویدیوی اعتراف اجباری و دادن تعهد، علیه وی پرونده قضایی تشکیل شده و وسایل الکترونیکی‌اش بدون مجوز قانونی توقیف شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

***ملاخورشیدن مطالبات ۱۱ کارگر اخراجی کارخانه سامان کاشی بروجرد**

روز چهارشنبه ۸ بهمن، کارگر اخراجی کارخانه سامان کاشی بروجرد از ملاخورشیدن مطالباتشان خبر داد.

در فاصله مرداد ماه سال ۹۲ تا سال ۹۶ حدود ۷۵ کارگر کارخانه سامان کاشی بروجرد با اعلام ورشکستگی کارفرما اخراج شدند؛ گفته می‌شود بعد از گذشت حدود ۱۰ سال هنوز تکلیف ۱۱ کارگر باقیمانده‌ی این واحد که آن زمان امکان بازنشستگی نداشتند مشخص نشده و هنوز با آن‌ها تسویه حساب نشده است.

یکی از این کارگران در این باره به خبرنگار رسانه ای گفت: با وجود آنکه هر یک از ما کارگران با طرح شکایت در اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی بروجرد پی‌گیر مطالبات معوقه خود شده‌ایم اما کارفرما به بهانه مشکلات مالی اعتنایی به پرداخت مطالباتمان نمی‌کند.

وی با بیان اینکه ما ۱۱ کارگر با سوابق ۱۰ تا ۱۷ ساله به دلیل مشکلات بیمه‌ای هنوز امکان بازنشستگی پیدا نکرده‌ایم، اضافه کرد: قرار بود اگر کارخانه دوباره راه‌اندازی شود با پرداخت ادامه حق بیمه، امکان بازنشستگی برایمان فراهم شود اما با وجود اینکه کارخانه بعد از گذشت حدودا ۱۰ سال تقریباً از بهمن ماه سال ۱۴۰۳ فعالیت خود را آغاز کرده، نه تنها به کار گرفته نشدیم بلکه با وجود در دست داشتن حکم قضایی برای توقیف برخی تجهیزات کارخانه، هنوز مطالباتمان به دلیل عدم اجرای حکم، وصول نشده است.

او گفت: مجموع مطالبات هر یک از ما کارگران قدیمی سامان کاشی حدود دو میلیارد تومان (بین سالهای ۹۲ تا ۹۵) است که کارفرما از آن زمان هر ماه وعده پرداخت آن را می‌دهد، اما نه مطالباتمان پرداخت می‌شود و نه تعیین تکلیف می‌شویم.

او که به نمایندگی از سایر همکاران اخراجی خود سخن می‌گفت، تاکید کرد: آنچه کارگران قدیمی کارخانه سامان کاشی می‌خواهند دریافت مطالبات و بازگشت به کار سابق خود تا زمان بازنشستگی است.

***نامه سرگشاده اعتراضی جمعی از متقاضیان مسکن ملی پروژه ۲ام کوی زنگان زنجان نسبت به پلاتکلیفی ۶ ساله**

روز چهارشنبه 8 بهمن، جمعی از متقاضیان مسکن ملی پروژه 2ام کوی زنگان زنجان طی نامه‌ای سرگشاده اعتراضشان را نسبت به روند کند اجرای این پروژه و به بلاتکلیفی 6 ساله رسانه ای کردند.

متن کامل این نامه :

ما جمعی از متقاضیان واجد شرایط پروژه 2ام مسکن ملی در کوی زنگان که تحت نظارت شرکت احرار در حال اجرا است، پس از 6 سال انتظار طاقت‌فرسا، دیگر توان و ظرفیت تحمل این وضعیت را نداریم. این نامه، آخرین تلاش ما برای گفتگو قبل از اتخاذ مسیرهای قانونی و رسانه‌ای گسترده‌تر است.

شش سال! این تنها یک عدد نیست؛ بلکه نمادی از 6 سال بلاتکلیفی، پرداخت اجاره‌های سرسام‌آور، استهلاک سرمایه، و مهم‌تر از همه، به تعویق افتادن حق اساسی ما یعنی «سرپناه» است.

پروژه 2 ام به نقطه‌ای رسیده که تأخیر در آن دیگر مصداق یک مشکل فنی یا تأخیر جزئی نیست؛ بلکه نماد ناکارآمدی مفرط مدیریتی است. وعده‌ها پی‌درپی و ضرب‌الاجل‌ها یکی پس از دیگری نقض گردیده‌اند و شفافیتی که حق مسلم ماست، هرگز به درستی ارائه نشده است. متقاضیان مسکن ملی، نه برای تفریح، بلکه برای خانه‌دار شدن در این طرح ملی ثبت‌نام کرده‌اند و اکنون تبدیل به قربانیان اصلی این تعلل شده‌اند.

ما دیگر خواهان توجیهات تکراری نیستیم. ما خواهان اقدام فوری و قاطع هستیم. مطالبه محوری و اساسی ما از مدیران شرکت احرار و مسئولین نظارتی وزارت راه و شهرسازی عبارت است از :

1. ارائه برنامه زمان‌بندی تفصیلی و الزام‌آور جدول زمانی دقیق و متعهدانه برای تکمیل تمام مراحل باقی‌مانده ساخت و تأسیسات زیربنایی، با قید تاریخ دقیق تحویل کلید به متقاضیان.

2. شفافیت در ارائه گزارش دقیق از درصد پیشرفت فیزیکی و مالی هر بلوک و اعلام عمومی دلایل اصلی عدم تحویل واحدهای تکمیل شده تا به امروز.

3. ضمانت اجرایی: اعلام سازوکار نظارتی و ضمانت اجرایی برای پایبندی به برنامه زمان‌بندی جدید، با در نظر گرفتن جرایم تأخیر برای شرکت سازنده در صورت تخطی مجدد.

زمان بازی با اعصاب و آینده زندگی ما به پایان رسیده است. منتظر پاسخ عملی و تعیین تکلیف نهایی هستیم.

***جان باختن 2 کارگرمقنی جوان در یزد حین کاربر اثر مسمومیت گازی**

2 کارگرمقنی جوان حین کار حفاری یک چاه در محدوده محمدآباد یزدبر اثر مسمومیت گازی جان خود را از دست دادند.

برپایه گزارش رسانه ای شده بتاريخ 8 بهمن، دو کارگرمقنی در حال حفر چاهی در منطقه‌ای در غرب شهر یزد بودند که ناگهان با یک چاه فاضلاب قدیمی برخورد می‌کنند و شدت گازهای متصاعد شده از چاه فاضلاب، باعث بیهوشی یکی از کارگران می‌شود.

کارگردوم که شاهد این ماجرا بوده، به قصد کمک و نجات همکار خود، وارد چاه می‌شود، اما متأسفانه هر دو نفر به دلیل استنشاق حجم بالای گازهای سمی، در اعماق چاه دچار گازگرفتگی شدید شده و جان باختند.

akhbarkargari2468@gmail.com